

تحلیل تعاملی پایداری روابط اقتصادی ایران و عمان در چارچوب نظریه پیوستگی روزنا (۲۰۱۳-۲۰۲۴)

محمد شکرچیان خوزستانی^۱، حسن خداوردی^{۲*}، مهدی علیخانی^۳

چکیده:

این پژوهش با به کارگیری چارچوب نظری پیوستگی روزنا و با ارائه الگوی بدیع «پیوستگی تعاملی پنج گانه»، به تحلیل پویایی روابط اقتصادی تهران و مسقط در بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ می پردازد. پرسش اصلی این است که چگونه تعامل پویا و هم‌زمان متغیرهای نظریه روزنا، منجر به حفظ «پایداری پویا» در روابط اقتصادی دو کشور شده است؟ این پژوهش با هدف کشف الگوی علی پویا از تعامل سطوح پنج گانه‌ی روزنا، الگویی نوین برای تبیین سازوکارهای پایداری روابط اقتصادی ایران و عمان در شرایط بحران‌های منطقه‌ای ارائه می دهد. یافته‌ها نشان می دهد ثبات این روابط نه محصول تصادف یا یک متغیر منفرد، بلکه نتیجه «هم‌افزایی تعاملی» متغیرها در سطوح مختلف است. تعامل پویا و متقابل متغیرهای سطوح فرد، جامعه، نقش، حکومت و نظام بین الملل نیز موجب پیوند پایدار اقتصادی این روابط شده است. با اتخاذ سیاست واقع‌گرایی و عمل‌گرایی، فشار نظام بین‌الملل به جای تضعیف روابط، با فعال‌سازی مکانیسم‌های جبرانی در سطوح فردی (میانجی‌گری عمان) و اجتماعی (پیوندهای مذهبی اباضیه) و حکومتی (منافع مشترک ژئوپلیتیک، انرژی، لجستیک) به عاملی برای تحکیم همکاری تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، پادشاهی عمان، روابط سیاسی، روابط اقتصادی، نظریه روزنا

۱. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Mo.shekarchian@iaui.ir

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران * نویسنده مسئول مکاتبات:

0059549912 @iaui.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

منطقه غرب آسیا و حوزه خلیج فارس همواره به‌عنوان یکی از نقاط راهبردی و ژئوپلیتیک جهان، بستری برای تحولات پیچیده و متغیر در عرصه روابط بین‌الملل بوده است؛ منطقه‌ای که به‌واسطه موقعیت حساس جغرافیایی، پیشینه‌ای تاریخی با لایه‌های عمیق تمدنی و ساختاری فرهنگی متکثر، همواره در معرض کنش و واکنش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با منافع گوناگون قرار داشته است. رقابت فشرده میان بازیگران بین‌المللی بر سر کنترل منابع عظیم انرژی، دسترسی به مسیرهای حیاتی دریایی و نفوذ در تحولات این حوزه، باعث شده نظم منطقه‌ای شکننده و ناپایدار باقی بماند. در چنین فضایی روابط نزدیک و برادرانه سیاسی و اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان از شگفتیهای این منطقه است.

روابط تهران-مسقط را می‌توان نمونه‌ای برجسته از همکاری‌های پایدار دوجانبه در محیطی آکنده از بی‌ثباتی، رقابت و بحران‌های ژئوپلیتیکی قلمداد کرد، الگویی که با وجود فراز و نشیب‌های ناشی از تحولات کلان منطقه‌ای و فشارهای نظام بین‌الملل، همواره از نوعی تداوم و هماهنگی درونی برخوردار بوده است.

روابط اقتصادی ایران و عمان، نه تنها از منظر عملیاتی، دارای انسجام نسبی بوده است بلکه ثبات ساختاری روابط آنها علیرغم نوسانات شدید منطقه‌ای (مانند خروج آمریکا از برجام، تحریم‌های حداکثری و عادی‌سازی روابط اعراب-اسرائیل) پرسش‌زاست. این پژوهش با کشف سازوکارهای جبران‌کننده‌ی سطوح تحلیل در نظریه‌ی روزنا، این ثبات را تبیین می‌کند. رویکردی که امکان بررسی روابط میان دو کشور را از زوایای مختلف و در سطوح تحلیلی گوناگون فراهم نموده، و در عین حال قابلیت تعمیم‌پذیری به سایر الگوهای منطقه‌ای را نیز دارد. پژوهش حاضر با کشف الگوی علی‌پویا از تعامل سطوح پنج‌گانه‌ی روزنا، الگویی نوین برای تبیین سازوکارهای پایداری روابط ایران و عمان در شرایط بحران‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد. از سوی دیگر همکاریهای اقتصادی به ویژه در حوزه ژئوپلیتیک، انرژی و لجستیک بین ایران و عمان نشان می‌دهد چگونه متغیر حکومتی از متغیر نظام بین‌الملل برای تبدیل تهدیدات به فرصتها در روابط اقتصادی بهره می‌برد.

از این رو، پژوهش در پی پاسخ به این سوال بوده است که چگونه تعامل پویا و هم‌زمان متغیرهای نظریه روزنا، علیرغم تحولات شدید منطقه‌ای و تغییر رهبری در عمان، منجر به حفظ «پایداری پویا» در روابط اقتصادی دو کشور شده است؟

بُعد زمانی این پژوهش به دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ اختصاص یافته است؛ بازه‌ای که هم‌زمان با تحولات مهمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله توافق هسته‌ای، بازگشت تحریم‌ها، و تحولات ژئوپلیتیکی در خلیج فارس بوده است. در بُعد مکانی، تمرکز اصلی بر مناسبات اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عمان، در چارچوب فضای ژئوپلیتیکی غرب آسیا و به‌ویژه حوزه خلیج فارس قرار دارد. همچنین، در بُعد موضوعی، عوامل اثرگذار بر پایداری و تحول در روابط اقتصادی دو کشور، میانجی‌گری دیپلماتیک و مدیریت مشترک تنگه استراتژیک هرمز مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل متغیرهایی بوده است که در قالب سطوح مختلف تحلیل، اعم از فرد، نقش، نهادی، اجتماعی و بین‌المللی، به استمرار یا تغییر در الگوهای رفتاری اقتصادی تهران-مسقط در قبال یکدیگر انجامیده‌اند. این پژوهش کوشیده است ضمن ترسیم دینامیک‌های درونی و خارجی این رابطه،

چشم‌اندازی کاربردی و تحلیلی در اختیار سیاست‌گذاران و پژوهشگران منطقه‌ای قرار دهد تا ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه در روابط اقتصادی تهران - مسقط با دقت بیشتری فهم و بهره‌برداری شود.

۱- پیشینه پژوهش

تحقیقات پیشین عمدتاً بر توصیف تاریخی یا تک‌متغیره تمرکز داشته‌اند و تعامل پویای سطوح تحلیل را نادیده گرفته‌اند.

مقاله «عمان و سیاست خارجی سنتی آن: هزینه‌های اقتصادی بی‌طرفی مثبت» (۲۰۲۴) اثر ایگناسیو گوتیرز د تران گومز-بنیما، بررسی عمیق و قابل تأملی از تحولات سیاست خارجی عمان تحت حکومت سلطان قابوس و سپس جانشین او، سلطان هیثم بن طارق، ارائه می‌دهد. از نقاط قوت برجسته این مقاله تمرکز بر نقش میانجیگری عمان در پرونده‌های حساسی مانند جنگ یمن، برنامه هسته‌ای ایران و آشتی اخیر عربستان و ایران است. علاوه بر این، مقاله عمدتاً بر نقش دولت، نخبگان حاکم و عوامل دولتی متمرکز شده و تا حد زیادی از تحلیل تأثیر بازیگران غیردولتی، نهادهای مدنی، افکار عمومی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی غافل مانده است. این نگاه یکسویه، تصویر کاملی از فرآیند شکل‌گیری سیاست خارجی ارائه نمیدهد.

نظامی‌پور و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان: «راهبردها و الزامات دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عمان» به این موضوع اشاره می‌کنند که تعاملات و روابط اقتصادی و تجاری بین‌المللی، نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و خصومت‌ها و همچنین ایجاد پیوندهای عمیق میان کشورها ایفا می‌کند با این حال، یکی از نقاط ضعف این پژوهش آن است که به چالش‌های عملی و موانع موجود در مسیر تحقق این راهبردها به‌طور جامع و دقیق نپرداخته و بیشتر بر کلیات و جنبه‌های نظری تأکید کرده است.

گرشاسبی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه بازار عمان در توسعه صادرات ایران» به این موضوع اشاره می‌کند که اقتصاد عمان و ویژگی‌های آن به‌طور قابل توجهی برای صادرات ایران اهمیت دارد. مقاله به بررسی مزایای اقتصادی عمان برای صادرکنندگان ایرانی، از جمله سهولت در ثبت شرکت‌ها، امکان مالکیت ۱۰۰ درصدی برای مالکان ایرانی، هزینه مناسب کسب‌وکار و تسهیلات ۵۰ تا ۷۰ درصدی برای پروژه‌ها پرداخته است. با این حال، یکی از نقاط ضعف این پژوهش این است که به چالش‌ها و مشکلات عملی در مسیر اجرای این پیشنهادات و به‌ویژه موانع قانونی و مالی در روابط اقتصادی دو کشور پرداخته نشده است.

کوهکن (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط عمان با ایران در دوره سلطان هیثم بن طارق» به این موضوع اشاره می‌کند که سیاست خارجی عمان به‌شدت تحت تأثیر شخصیت‌های پادشاهی بوده و روابط آن با ایران نیز متأثر از تغییرات در شخصیت حاکم بوده است این سناریو با توجه به اصول نظریه روزنا که بر تأثیر هم‌زمان متغیرهای داخلی و خارجی تأکید دارد، معتبر به نظر می‌رسد. با این حال، یکی از نقاط ضعف این پژوهش آن است که به جزئیات بیشتری در خصوص تأثیرات خاص هر یک از سناریوها بر روابط ایران و عمان پرداخته نشده و بیشتر به تحلیل کلی و سناریوهای عمومی محدود شده است.

۲- چارچوب نظری: نظریه پیوستگی جیمز روزنا

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که با ارائه پیش‌نظریه سیاست خارجی خود و همچنین مدل پیوستگی سیاست خارجی، زمینه را برای اتصال دو سطح تحلیل خرد (محیط داخلی) و یا کلان (محیط بین‌المللی) فراهم کرده است، جیمز روزنا^۱ می‌باشد. روزنا به دنبال نظریه‌ای میان‌برد برای تبیین سیاست خارجی بود که بتواند تبیینی چند سطحی (با توجه به سطح داخلی و بین‌المللی) و چند علیتی از چرایی و چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی ارائه کند. هدف، رسیدن به فهمی انباشتی از ابعاد مختلف سیاست خارجی و تاثیر متغیرهای مختلف بر آن بود.

وی بر این اعتقاد بوده است که شناسایی این‌که چه عواملی در سطوح داخلی و خارجی به سیاست خارجی شکل می‌دهند، نشان می‌دهد که در چه شرایطی کدام دسته از عوامل بر دسته دیگر غالب می‌شوند. این مسئله‌ای است که به آن توجه لازم نشده است. در همین راستا، در سطح تحلیل خرد به چهار عامل فرد، نقش، متغیر دولتی یا بروکراتیک و متغیر اجتماعی یا جامعه توجه دارد و به این عوامل، عامل مهم نظام بین‌المللی را نیز در سطح کلان اضافه کرده است (Rosenau, 1971: 98-99). وی سعی کرده است میزان نفوذ هر یک از این عوامل داخلی و محیط بین‌المللی را در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی مورد ارزیابی قرار داده و در واقع نوعی زمینه برای تبیین علی را در سیاست خارجی فراهم آورد (Rosenau, 1971: 110).

- متغیرهای فردی شامل ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها، سبک رهبری و شیوه تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرنده می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۱).
- متغیرهای نقش، به ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که ناشی از مسئولیت‌های سیاست‌گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پُر کند از او نیز رفتار مشابهی انتظار می‌رود. (راست و استار، ۱۳۸۱: ۳۵۶-۳۵۹)
- متغیرهای حکومتی شامل ظرفیت‌های اقتصادی، موقعیت مکانی، ساختار نهادی و قابلیت‌های اداری دولت هستند که تعیین‌کننده قدرت و توانمندی‌های دولت در روابط بین‌المللی می‌باشند (Rosenau, 1966). همچنین متغیر حکومتی به آن جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره می‌کند که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود می‌کند یا افزایش می‌دهد. تاثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه در سیاست خارجی، نمونه‌ای از عملیاتی‌شدن متغیر حکومتی است. (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۳)
- متغیر جامعه یا اجتماعی، تمامی جنبه‌های غیردولتی یک جامعه را شامل می‌شود که در روند تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست خارجی، دخیل است. ارزش‌ها، جهان‌بینی حاکم بر جامعه، فرهنگ سیاسی، گروه‌های مدنی، گروه‌های بانفوذ، گروه‌های فشار، احزاب سیاسی، تشکل‌های مردم‌نهاد، مجامع دانشگاهی و صاحب‌نظران بانفوذ و رسانه‌های غیردولتی در این متغیرها جای می‌گیرند. (Rosenau, 1971: 108-)

¹ James N. Rosenau

○ متغیر نظام بین الملل: دولت‌ها در روند تصمیم‌گیری، از محیط بین‌الملل نیز تأثیر می‌پذیرند و واکنش به این نظام در محاسبه تصمیم‌گیرندگان منظور می‌گردد. نظام بین‌الملل شامل قطب‌بندی‌های مختلف و طیفی از نظام‌های بازدارندگی، موازنه قدرت و یا توازن وحشت می‌باشد. (Rosenau, 1996: 2)

در این پژوهش، وزن متغیرهای نظریه پیوستگی روزنا بر اساس تحلیل محتوای کیفی و بررسی توصیفی تغییرات سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی در بازه زمانی پژوهش تعیین شد. معیارهای وزندهی شامل شدت تأثیر متغیرها بر سیاست خارجی، تأثیرات ثبات‌یابنده یا تغییرپذیر در دوره‌های مختلف و بازتاب مستندات تاریخی و تحولات سیاسی بود. این رویکرد مبتنی بر تحلیل عمیق اسناد و تحولات موجود و بدون استفاده از ابزار پرسشنامه یا روش دلفی انجام شده است. مطالعات مشابه در حوزه دینامیک سیستمی و شبکه‌های سیاست خارجی نیز بر امکان کمی‌سازی وزن متغیرها از طریق تحلیل کیفی تأکید دارند (Zhdanov, 2024; Zhang & Li, 2025). بر اساس تحلیل نظاممند داده‌های کیفی، تعامل متغیرهای پنجگانه روزنا به شکل سیستمی و چندسویه است؛ یعنی افزایش یا کاهش اهمیت یک متغیر بر تأثیرگذاری سایر متغیرها و وزن آنها اثرگذار است. به عنوان مثال، فشارهای بین‌المللی و تحریمها باعث افزایش تأثیر متغیرهای حکومتی و فردی شده و سایر متغیرها نیز به تبع آن متحول می‌گردند. این تعاملات دینامیک، ساختار سیاست خارجی را انعطاف‌پذیر ساخته و منطبق بر یافته‌های مدل‌های شبکه‌ای و سیستم‌های دینامیکی در مطالعات اخیر است (Smith et al., 2025; Zhdanov, 2024). مفاهیمی مانند متغیرهای اقتصادی، متغیرهای سیاسی، تحریم، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، میانجیگری، نظام بین‌الملل، همگرایی و هم‌افزایی تعاملی و دیپلماسی اقتصادی و سیاسی از مفاهیم قابل توجهی هستند که در این مقاله در قسمتهای مربوطه به آن توجه شده است.

۲-۱- نوآوری پژوهش در چارچوب نظریه روزنا

نوآوری پژوهش در چارچوب نظریه روزنا در ردّ تقلیل‌گرایی سطحی و تأکید بر پیچیدگی تعامل سطوح خرد-کلان است. این پژوهش با عملیاتی‌سازی این تعامل متغیرها در قالب سه مکانیسم کلیدی: مکانیسم جبرانی: جایگزینی سطح فردی در فقدان نهادهای دموکراتیک. مکانیسم تشدید: تقویت سطح بین‌المللی توسط متغیرهای اجتماعی و حکومتی (نهادی). مکانیسم تعدیلی: خنثی‌سازی فشار نظام بین‌الملل از طریق متغیرهای حکومتی و نهادی روابط ایران-عمان را به‌مثابه آزمونگاهی برای توسعه‌ی نظریه روزنا بازتعریف می‌کند.

۲-۲- روش تحقیق پژوهش

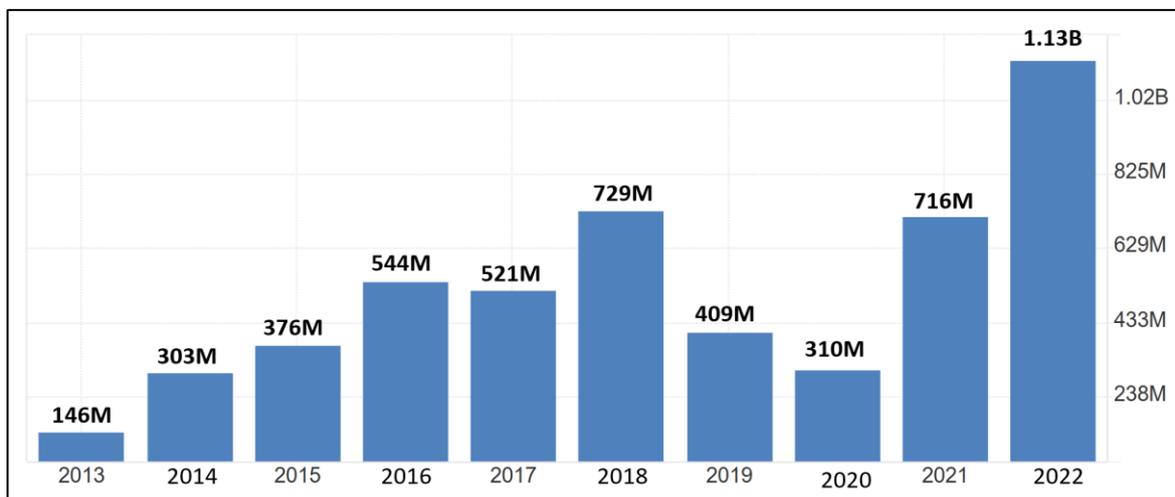
○ با استفاده از روش تلفیقی تحلیل محتوای کیفی برای اسناد و تحلیل علی-تطبیقی برای سطوح پنج‌گانه‌ی روزنا، سازوکارهای علی‌پایداری رابطه در سه مقطع بحرانی (۲۰۱۵: برجام، ۲۰۱۸: خروج آمریکا، ۲۰۲۱: ریاست جمهوری رئیسی) شناسایی شد.

○ معیارهای تعیین اولویت در این پژوهش از طریق تحلیل محتوای اسناد، روندهای تاریخی و سیاسی استخراج شد که شامل: (۱) شدت تأثیر متغیرها بر سیاست خارجی و روندهای عینی، (۲) ثبات یا نوسان تأثیر متغیرها در دوره‌های زمانی مختلف، (۳) شواهد و اسناد رسمی مرتبط، و (۴) تطبیق یافته‌ها با مطالعات مشابه در حوزه تعاملات سیاسی-اجتماعی بوده است.

۳- بررسی پیشینه روابط و توافقات تجاری- اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عمان از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴

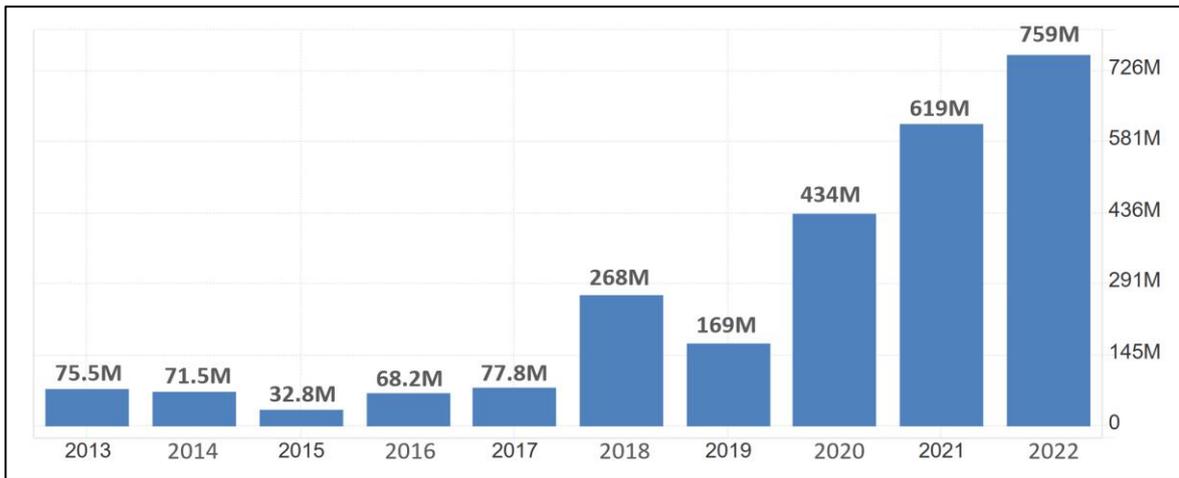
۳-۱- حجم تجارت دو جانبه

در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲، روند صادرات جمهوری اسلامی ایران به کشور عمان دستخوش تغییرات قابل توجهی بوده که تحلیل آن بیانگر تأثیرگذاری مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی است. در ابتدای این دوره، صادرات ایران به عمان در سطحی نسبتاً پایین معادل ۱۴۶ میلیون دلار قرار داشت؛ اما در سال‌های بعد، به ویژه طی بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، شاهد رشد پیوسته و چشمگیری در میزان صادرات هستیم، به نحوی که این شاخص در سال ۲۰۱۸ به ۷۲۹ میلیون دلار افزایش یافت. این رشد عمدتاً ناشی از بهبود روابط سیاسی دو جانبه، انعقاد توافقات اقتصادی، توسعه همکاری‌های بندری و حمل‌ونقل دریایی و همچنین سرمایه‌گذاری‌های مشترک در حوزه‌هایی همچون صنایع پتروشیمی، فلزات اساسی و محصولات کشاورزی بوده است. (tradingeconomics, 2024).



نمودار ۴-۱: میزان صادرات ایران به عمان (<https://tradingeconomics.com/iran/exports/oman>)

تحلیل تلفیقی داده‌ها نشان می‌دهد که تعاملات تجاری ایران و عمان در این دهه، علاوه بر تأثیرپذیری از تحولات سیاسی-بین‌المللی، انعکاسی از سیاست‌های ایران برای حفظ پویایی اقتصادی خود در شرایط تحریم و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های کشورهای همسایه می‌باشد (tradingeconomics, 2024).



نمودار ۴-۲: میزان واردات ایران از عمان (<https://tradingeconomics.com/iran/imports/oman>)
 این روند تحکیم یافته نشان می‌دهد که روابط اقتصادی ایران و عمان از مرحله‌ی صرفاً صادرات و واردات فراتر رفته و به سمت مشارکت‌های پایدارتر در زمینه‌های سرمایه‌گذاری مشترک، لجستیک، انرژی‌های تجدیدپذیر و خدمات فنی-مهندسی در حال حرکت است.

۳-۲- ترکیب کالاها و خدمات مبادله شده

از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴، ترکیب کالاهای صادراتی ایران به عمان نمایان‌گر روندی نسبتاً متنوع و در حال تکامل بوده است که ریشه در تغییرات اقتصادی داخلی ایران و نیازهای بازار عمان دارد. در سال‌های ابتدایی این دوره، یعنی از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، عمده صادرات ایران به عمان شامل مصالح ساختمانی هم‌چون سیمان، محصولات فولادی، میوه‌ها و تره‌بار، و مشتقات پتروشیمی بود که در پاسخ به نیاز عمان به توسعه زیرساختی و تأمین کالاهای اساسی صورت می‌گرفت (OECD, 2024).

۳-۳- توافقات و چالشهای اقتصادی و تجاری

طی نیم قرن گذشته، ایران و عمان مجموعه‌ای از توافقات و اسناد همکاری را در راستای گسترش و تحکیم مناسبات دوجانبه میان خود به امضا رسانده‌اند؛ این توافقات که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی شکل گرفته‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در عمق‌بخشی به روابط دو کشور ایفا کرده‌اند. مطالعه و تحلیل دقیق این موافقت‌نامه‌ها نه تنها تصویری شفاف از روند تاریخی تعاملات ایران و عمان ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند چارچوبی راهبردی برای درک بهتر مسیرهای بالقوه آینده فراهم آورد. بررسی این اسناد نشان می‌دهد که دو کشور همواره تلاش داشته‌اند با تکیه بر اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی و منافع اقتصادی، موانع موجود را کاهش داده و سطح همکاری‌ها را ارتقا بخشند.

در یک دهه اخیر، مبادلات تجاری میان ایران و عمان، هرچند روند رو به رشدی را طی کرده است، اما همواره با موانع و چالش‌هایی شامل تعرفه‌های گمرکی، محدودیت‌های بانکی، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مشکلات لجستیکی مواجه بوده است.

○ جدول ۳-۱: مهم‌ترین توافقنامه‌های منعقد شده میان ایران و عمان

ردیف	عنوان	تصویب
۱	قانون موافقت نامه تحدید حدود فلات قاره بین رژیم پهلوی ایران و دولت سلطنتی عمان	۱۳۵۳
۲	قانون موافقت نامه فرهنگی بین رژیم شاهنشاهی ایران و دولت سلطنتی عمان	۱۳۵۴
۳	قانون موافقت نامه حمل و نقل هوایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عمان	۱۳۷۲
۴	قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان	۱۳۷۲
۵	قانون موافقت نامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف از درآمد حاصل از حمل و نقل هوایی بین المللی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنت عمان	۱۳۷۷
۶	قانون موافقت نامه کشتیرانی تجاری دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنت عمان	۱۳۷۹
۷	قانون موافقت نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطان نشین عمان	۱۳۸۱
۸	قانون الحاق کشورهای جمهوری تاجیکستان و پادشاهی عمان به موافقت نامه بین دولتی راجع به کریدور (دالان)	۱۳۸۱
۹	قانون موافقت نامه بازرگانی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان	۱۳۸۶
۱۰	قانون موافقت نامه همکاری و هماهنگی امنیتی بین جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان	۱۳۸۹
۱۱	قانون موافقت نامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان	۱۳۸۶
۱۲	اصلاح قانون موافقت نامه تأسیس دالان حمل و نقل و گذر بین المللی بین دولت های جمهوری اسلامی ایران سلطان نشین عمان قطر ترکمنستان و جمهوری ازبکستان موافقت نامه عشق آباد	۱۳۹۴
۱۳	قانون موافقت نامه تحدید حدود مرز دریایی در دریای عمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنت عمان	۱۳۹۴

۱۳۹۸	قانون در خصوص برقراری مقررات لغو روادید یک طرفه برای ورود اتباع کشور سلطنت عمان به جمهوری اسلامی ایران	۱۴
۱۳۹۸	توافق نامه همکاری در زمینه حمل و نقل دریایی و کشتیرانی	۱۵
۱۴۰۲	امضای ۴ سند همکاری میان ایران و عمان در حوزه های اقتصادی، سرمایه گذاری و انرژی	۱۶
۱۴۰۲	موافقت نامه مطالعه و همکاری میدان مشترک هنگام بین ایران و عمان	۱۷
۱۴۰۲	تفاهم نامه سرمایه گذاری مشترک و موافقت نامه تجارت ترجیحی	۱۸
۱۴۰۳	تفاهم نامه تجارت ترجیحی و حذف تعرفه های تجاری، حمایت از سرمایه گذاری های مشترک و همکاری های گمرکی	۱۹

○ ماخذ: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی - ۱۴۰۴

۴- عوامل دولتی ژئوپلیتیکی و اقتصادی تاثیر گذار در روابط اقتصادی عمان

۴-۱- تنگه استراتژیک هرمز

متغیرهای حکومتی یا دولتی (state) شامل ظرفیت های اقتصادی، موقعیت مکانی، ساختار نهادی و قابلیت های اداری دولت هستند که تعیین کننده قدرت و توانمندی های دولت در روابط بین المللی می باشند. بعضی از متغیرهای ژئوپلیتیکی را از این دیدگاه می توان متغیرهای حکومتی دانست زیرا به سبب اهمیت مستقیمی از سوی دولت کنترل می شوند و تنگه هرمز یکی از این متغیرهای ژئوپلیتیکی مهم است که توسط حکومت کنترل می شود. تنگه هرمز به عنوان یکی از نقاط کلیدی ژئوپلیتیکی جهان که در نزدیک خطوط ساحلی ایران قرارداد و توسط حکومت کنترل مستقیم می شود، اهمیت استراتژیک فراوانی برای ایران و عمان دارد که هر یک از زاویه های متفاوت از آن بهره برداری می کنند. «در میان تنگه های استراتژیک جهانی، آدمیرال فیشر^۱ و فلیپ کلمب^۲، تنگه هرمز را با تنگه مالاکا^۳، جبل الطارق^۴، سوئز^۵، سنگاپور^۶، امید نیک^۷ و دوور^۸ به عنوان کلیدهای جهان نام برده اند» (Friedman, 1988: 57). واقع شدن تنگه هرمز در سطح تماس اهداف دو قدرت بری و بحری همراه با ارزش های ژئواستراتژیک آن و نیز قرار گرفتن در کانون مرکزی ریملند باعث شده که همواره در استراتژی های نظامی بری و بحری مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر، تنگه هرمز نقش ارتباطی خود را به عنوان یک آبراه بین المللی از گذشته های دور حفظ کرده است و با انتقال

¹ Admiral Fisher

² Flip Columbus

³ Malacca

⁴ Gibraltar

⁵ Suez

⁶ Singapore

⁷ Good hope

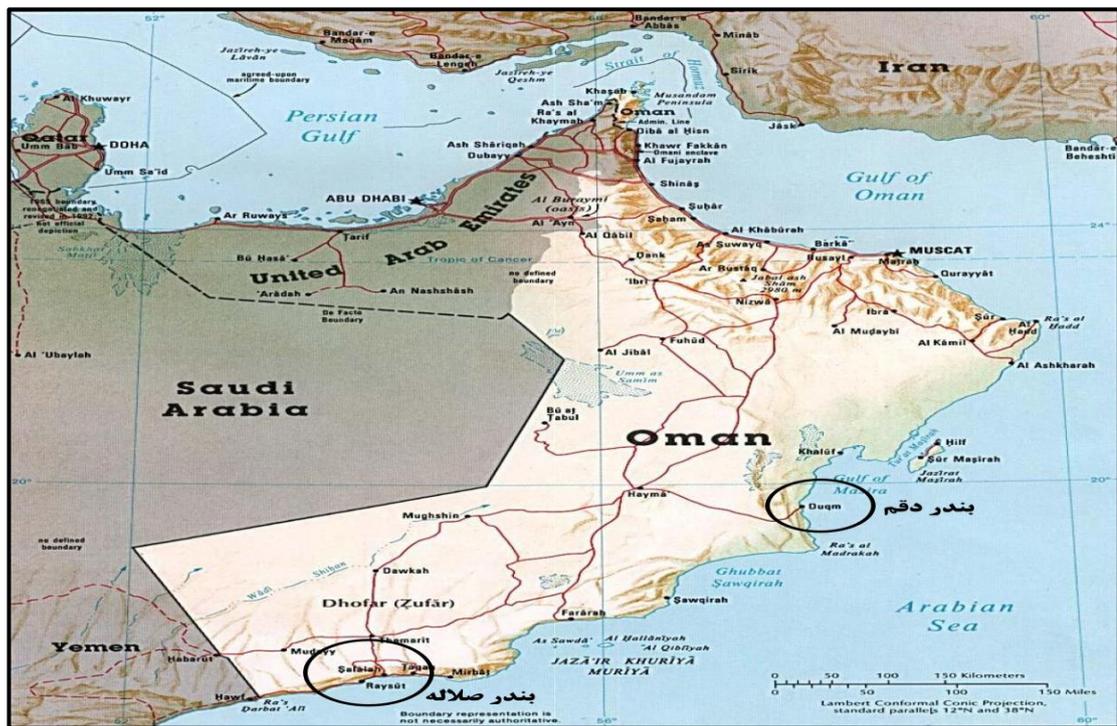
⁸ Dover

نفت خلیج فارس به کشورهای صنعتی و غیر صنعتی در رفع نیازهای نظامی، خدماتی و رفاهی و صنعتی آنها نقش مهمی دارد (فلاح تبار، ۱۳۹۶: ۲۸).

اهمیت عرض کم تنگه هرمز از این جهت است که در طول سه کیلومتر مسافتی که عرض تنگه بین ۲۱ تا ۲۴ مایل دریایی متغیر است، بخشی از عرض آبی ساحلی در کشور ایران و عمان بر روی هم منطبق می‌شود و بنابراین، در فاصله بین آنها دریای آزاد وجود ندارد. به همین دلیل دو کشور ایران و عمان از اهمیت راهبردی و جغرافیای سیاسی ویژه‌ای برخوردارند. حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت در روز توسط کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می‌شود که تقریباً ۳۰ درصد از کل نفت جهان را تشکیل می‌دهد. (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۵).

۴-۲- سواحل طولانی

سواحل عمان به طول بیش از ۱۷۰۰ کیلومتر در خلیج فارس، دریای عمان و دریای عرب گسترده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۲۱). این امر سبب شده است که عمان از دیرباز به سوی اقیانوس هند نظر داشته باشد. بر همین اساس در گذشته، نفوذ عمان تا سواحل شرقی آفریقا از جمله زنگبار و بخشی از سواحل مکران پاکستان رسیده است. ۱. موقعیت جغرافیایی عمان که بر سر راه دریایی اروپا، آسیا و آفریقا به سواحل هند و خلیج فارس قرار دارد، باعث شده تا از دیرباز قدرت‌های غربی توجه خاصی به آن نشان دهند (بیوک و اکرمی نیا، ۱۴۰۰: ۲۹۱).



۴-۲- عوامل اجتماعی تاثیر گذار

۱ سلطان سعید ابن تیمور در سال ۱۹۵۸، گوتدر را که بخشی از خاک عمان بود به مبلغ ۳ میلیون پوند استرلینگ به پاکستان فروخت.

عمان از منازعات فرقه‌گرایی میان سنی‌ها و شیعه‌ها دور مانده است، چرا که رویکرد چندفرهنگی و گشودگی این کشور، منجر به تساهل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف شده است. به نظر می‌رسد که اختلاف نظر در میان دوستان و رسیدن به سازش مسالمت‌آمیز با دشمنان، با اندیشه اباضی سازگار باشد. در حوزه سیاست خارجی، این نفوذ تعدیل‌کننده، باید رفتار سیاست خارجی هر رهبر آینده عمانی را شکل دهد و محدود سازد (Lefebvre, 2010:103). امروزه نیز پیروان مذهب اباضی، اکثریت را دارا بوده و حاکمان خانواده آل ابوسعید نیز از طرفداران آن به شمار می‌روند. به طور کلی عمان تنها موطن اساسی اسلام اباضی در سطح جهان و دنیای اسلام محسوب می‌شود (دکمچیان، ۱۳۷۲: ۲۳۵). همین ویژگیهای اجتماعی و انعطاف‌پذیری مردم منجر افزایش فعالیت‌های تجاری و میانجیگری خرد و کلان سیاسی و اقتصادی در بین مردم عمان و در ارتباط با سایر ملل شده است.

۴- تحلیل تعاملی متغیرهای پیوستگی در روابط ایران و عمان (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴)

در این بخش، با تکیه بر نظریه پیوستگی جیمز روزنا، به تحلیل مهمترین عوامل موثر بر روابط اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عمان در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ پرداخته شده است. هدف اصلی این بررسی آن است که نشان دهد چگونه عناصر مختلف در سطوح متعدد - از بازیگران کلیدی و جایگاه سیاسی آنها گرفته تا ساختارهای نهادی حکومتی اقتصادی و ژئوپلیتیکی، نیروهای اجتماعی و دگرگونی‌های عرصه بین‌الملل - بر روند شکل‌گیری، استمرار و جهت‌گیری مناسبات اقتصادی دو کشور اثرگذار بوده‌اند.

۴-۱- متغیر فرد

۴-۱-۱- تأثیر ویژگی‌های فردی رهبران ایران در تبیین روابط با عمان

- ویژگی‌های فردی مقام معظم رهبری: ویژگی‌های فردی و شخصیتی مقام معظم رهبری، هم‌چون عقلانیت، تسلط بر مسائل منطقه‌ای، شناخت تحولات بین‌المللی و پایبندی به اصول اخلاقی و اسلامی در روابط خارجی، موجب تقویت روابط محترمانه و کم‌تنش جمهوری اسلامی ایران با عمان شده است. ایشان همواره بر گفت‌وگو با کشورهای چو عمان که در پی هم‌زیستی مسالمت‌آمیزند تأکید داشته‌اند. این رویکرد باعث حفظ روابط مطلوب با عمان حتی در شرایط تنش با سایر کشورهای منطقه شده است (منشوری، ۱۴۰۲: ۱۷۸-۱۷۶). همچنین، تأکید مستمر بر «هم‌گرایی اسلامی» و نفی «دشمن‌سازی درون‌منطقه‌ای» مؤلفه‌هایی هستند که به عمان اطمینان داده‌اند روابط با ایران از ثبات برخوردار است (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۶۴).
- ویژگی‌های فردی حسن روحانی: روحانی با برخورداری از پیشینه‌ای غنی در حوزه امنیت ملی، مذاکرات هسته‌ای و تجربه دیپلماتیک، و همچنین با نگاهی اعتدال‌گرا و مبتنی بر عقلانیت سیاسی، توانست روابط تهران و مسقط را در مسیر ثبات و همکاری بیشتر هدایت کند... (مصطفی نژاد، ۱۴۰۲: ۱۱۱).
- ویژگی‌های فردی سید ابراهیم رئیسی: سید ابراهیم رئیسی با تأکید بر دیپلماسی اقتصادی، به‌ویژه در چارچوب بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای همسایه برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، روابط با عمان را به‌طور ویژه

مورد توجه قرار داد که نتیجه آن امضای چندین توافق‌نامه همکاری در حوزه‌های انرژی، ترانزیت، حمل‌ونقل دریایی و سرمایه‌گذاری بود (منشوری، ۱۴۰۲: ۱۵۱-۱۵۲).

۴-۱-۲- تأثیر ویژگی‌های فردی رهبران عمان در تبیین روابط با ایران

- ویژگی‌های فردی سلطان قابوس بن سعید: به طور عمده، سلطان قابوس با تجربه‌ای که به طور سنتی کسب کرده بود سعی میکرد با اعتدال شرایط منطقه را رصد و اقدام‌های مناسبی برای میانجیگری انجام دهد. این درایت رهبری عمان حاکی از این است که منافع آنی را در برنامه‌های درازمدت خود قرار نداده و سعی کرده است واقع بینانه عمل کند. (شایان، ۱۴۰۲: ۲۲۴)
- ویژگی‌های فردی سلطان هیثم بن طارق: شخصیت و رویکردهای فردی سلطان هیثم بن طارق نقش چشم‌گیری در تقویت روابط با جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده و با رویکردی عمل‌گرایانه، خردمندانه و مبتنی بر میراث دیپلماتیک قابوس، نه تنها سیاست بی‌طرفی عمان را حفظ کرده، بلکه روابط با ایران را با ثبات و عمق بیشتری همراه ساخته است، به گونه‌ای که ادامه سیاست حسن همجواری، تنش‌زدایی و احترام متقابل در برابر ایران از اولویت‌های او به شمار می‌رود (مصطفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۲۷)

۴-۲- منغیر نقش

۴-۲-۱- تأثیر متغیر نقش در تبیین روابط ایران در قبال عمان

اصول متعددی از قانون اساسی، اهداف و جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی را مشخص می‌سازند. به‌طور خاص، اصل ۱۵۲ بر نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحراب تأکید دارد. (محمدی، ۱۳۹۱: ۳۵).

- نقش و وظایف رهبری جمهوری اسلامی ایران: در چارچوب نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ساختار سیاست خارجی بر مبنای سلسله‌مراتب معین و تفکیک نقش‌های نهادهای مختلف تعیین شده است. در رأس این ساختار، مقام رهبری یا ولایت امر قرار دارد که بالاترین مرجع تصمیم‌گیر در کشور به‌شمار می‌رود. این نقش در مواقع لزوم، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی اعمال می‌شود (صفایی اردکانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۶). در رابطه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به پادشاهی عمان، نقش رهبری از جهات مختلفی قابل تحلیل است. نخست، رهبری با تکیه بر رویکرد اصول‌گرایانه، مستقل و در عین حال عمل‌گرایانه در سیاست خارجی، همواره بر گسترش روابط با کشورهای همسایه، حفظ ثبات منطقه‌ای و تقویت پیوندهای اسلامی تأکید داشته است؛ از این رو، نقش رهبری در قالب الگوی نظری روزنا، به‌مثابه نیروی ساختاری و ناظر، به هدایت سیاست خارجی ایران در قبال عمان انسجام بخشیده و آن را از نوسانات مقطعی دور نگاه داشته است.

○ نقش و وظایف رئیس جمهور ایران: در فصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور به عنوان دومین مقام ارشد کشور پس از مقام رهبری، از جایگاه و اختیارات ویژه‌ای برخوردار است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸: فصل ۹). در زمینه روابط سیاسی ایران با عمان طی بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴، متغیر نقش در قالب ساختارهای نهادی و رسمی نظام جمهوری اسلامی و الزامات تعریف شده برای مقامات ارشد کشور، به ویژه رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و دیگر مسئولان سیاست خارجی، نقشی اساسی در تعیین چارچوب‌های کنش دیپلماتیک ایفا کرده است.

۴-۲-۲- تاثیر متغیر نقش در تبیین روابط عمان در قبال ایران

○ نقش و جایگاه پادشاه (سلطان): در نظام حکومتی سلطنتی و تمرکزگرای عمان، جایگاه پادشاه به عنوان عالی ترین مقام اجرایی و سیاسی کشور، موجب تمرکز بسیار بالای فرآیند تصمیم گیری در سیاست خارجی در دست او شده است. پادشاه نه تنها تصمیم گیر نهایی در این حوزه است، بلکه نقش جهت دهنده، تبیین گر اهداف و تنظیم کننده اصلی تعاملات عمان با محیط بین المللی را ایفا می کند (Hakro, 2019: 221).

۴-۳- متغیر حکومت (دولتی و بروکراتیک)

۴-۳-۱- تاثیر متغیر حکومت در تبیین روابط ایران در قبال عمان

در فرآیند تدوین سیاست های خارجی کلان جمهوری اسلامی ایران، پس از متغیر «نقش» که ناظر بر جایگاه قانونی و تصمیم گیرانه مقام رهبری و رئیس جمهور است، متغیر «حکومت» یا «نهادهای اجرایی» نیز به عنوان بازیگران مؤثر، اهمیت بسزایی دارند؛ در چارچوب این متغیر، نهادهای اجرایی با درک شرایط منطقه ای و بین المللی و در تعامل با سایر سطوح تصمیم گیری، تلاش داشته اند روابط با عمان را بر پایه ثبات، اعتمادسازی و همکاری مستمر تنظیم کنند. از سوئی دیگر ظرفیتهای اقتصادی نهادی و همجواری دریایی و موقعیت جغرافیایی ایران و عمان در تنگه استراتژیک هرمز را می توان از جمله متغیرهای تاثیر گذار حکومتی (دولتی) روابط فیما بین برشمرد.

تنگه هرمز به عنوان یکی از نقاط کلیدی ژئوپلیتیکی جهان، اهمیت استراتژیک فراوانی برای ایران و عمان دارد که هر یک از زاویه های متفاوت از آن بهره برداری می کنند. «در میان تنگه های استراتژیک جهانی، آد میرال فیشر^۱ و فلیپ کلمب^۲، تنگه هرمز را با تنگه مالاکا^۳، جبل الطارق^۴، سوئز^۵، سنگاپور^۶، امید نیک^۷ و دوور^۸ به عنوان کلیدهای جهان نام برده اند» (Friedman, 1988: 57) که مدیریت مشترک این تنگه، نقش عمان را بسیار تاثیر گذار می کند.

¹ Admiral Fisher

² Flip Columbus

³ Malacca

⁴ Gibraltar

⁵ Suez

⁶ Singapore

⁷ Good hope

⁸ Dover

عمان با دارا بودن مرز دریایی نسبتاً طولانی و بنادری هم‌چون صحارا^۱، دقم^۲ و صلاله از موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار است. جزایر کوریا موری^۳ (حلانیا) و مصیره^۴ که از لحاظ نظامی در حکم سرپل‌هایی برای عملیات آبی‌خاکی‌اند، موقعیت حساس این کشور را چند برابر می‌کند (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

ساختار دولتی و بروکراتیک پادشاهی عمان، اگرچه متمرکز و تحت سیطره مقام سلطنت است، اما از کارآمدی و ثبات نسبی بالایی برخوردار است و دستگاه دیپلماسی این کشور با عمل در راستای اهداف کلان کشور و سیاست‌های پادشاه، عمان را به بازیگری باثبات، میانه‌رو و تعامل‌گرا در منطقه تبدیل کرده است. (Valeri, 2017: 161). این بروکراسی با اولویت‌دهی به ملاحظات راهبردی و اقتصادی، نقشی تسهیل‌گر و پیش‌برنده داشته و به‌عنوان عنصری پویا در سیاست خارجی تفسیر می‌شود.

۴-۴- متغیر اجتماعی و جامعه

۴-۴-۱- تأثیر متغیر اجتماعی و جامعه در تبیین روابط ایران در قبال عمان

فشارهای ناشی از تحریم‌های شدید و بی‌سابقه در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، فضای اجتماعی ایران را دچار تنش و بی‌ثباتی کرد و موجب شد مطالبه عمومی از دولت وقت بر ضرورت بهبود اوضاع اقتصادی از مسیر کاهش تنش‌های بین‌المللی متمرکز یابد. بر این اساس، ثبات اقتصادی، بهبود معیشت و تسهیل فضای کسب‌وکار به‌عنوان اولویت‌های بنیادین در دستور کار سیاست خارجی دولت قرار گرفت (فریدون و قوام، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

دولت سیزدهم با رویکردی عمل‌گرایانه و درون‌گرا، بازتعریف اولویت‌ها را در رسیدگی به مطالبات داخلی جست‌وجو کرد تا از این رهگذر، پشتوانه اجتماعی سیاست خارجی خود را تقویت کند. در این چارچوب، سیاست ایران در قبال عمان نیز متأثر از شرایط داخلی و انتظارات اجتماعی بازطراحی شد. جامعه ایران، دولت را به سمت گسترش روابط با کشورهایی چون عمان سوق داد و زمینه تاریخی و اعتماد متقابل میان تهران و مسقط، بستر مناسبی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و کاستن از فشارهای داخلی فراهم آورد. (شکرچیان و همکاران، ۱۴۰۴)

۴-۴-۲- تأثیر متغیر اجتماعی و جامعه در تبیین روابط عمان در قبال ایران

جامعه عمانی با ساختاری پیچیده و منسجم، تحت تأثیر پیوندهای مذهبی، فرهنگی و تاریخی با ایران، فضایی غیرخصمانه نسبت به ایران دارد و از سیاست خارجی متوازن بدون دشمن‌انگاری ایدئولوژیک حمایت می‌کند (منشوری، ۱۴۰۲: ۱۵۱-۱۵۲). همچنین، نیاز اقتصادی عمان به همکاری‌های منطقه‌ای و نگاه مثبت جامعه عمانی به روابط با ایران در حوزه‌هایی چون انرژی و ترانزیت، ایران را به‌عنوان فرصتی اقتصادی تلقی کرده است (حسینی‌کیا، ۱۳۹۳: ۱۲۵). تفاوت جامعه اباضی عمان با دیگر جوامع عربی خلیج فارس، به‌ویژه در پرهیز از تقابل ایدئولوژیک و تساهل مذهبی، موجب شکل‌گیری فضای گفتگومانی مشترک با ایران و تلقی آن به‌عنوان شریکی تاریخی شده که زمینه‌ساز نقش میانجی‌گر عمان در منطقه گردیده است (پروین و جلال‌پور، ۱۳۹۵: ۲۰۱). افزون بر این، ریشه‌های تاریخی و

¹ Sohar

² Duqm

³ Khorya morya

⁴ Masirah

فرهنگی مشترک میان ایران و عمان، همراه با رویکرد واقع‌گرایانه اباضیه نسبت به دیگر مکاتب اسلامی، موجب پایداری روابط در شرایط بحرانی و تقویت مشروعیت سیاست‌های گفت‌وگومحور عمان در قبال ایران شده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۵۶). از این رو فشار نظام بین‌الملل به جای تضعیف روابط، با فعال‌سازی مکانیسم‌های متغیر اجتماعی به ویژه پیوندهای مذهبی اباضیه به عنوان مداراگرایی و تساهل مذهبی به عاملی برای تحکیم همکاری تبدیل شده است.

۴-۵- متغیر نظام بین‌الملل

۴-۵-۱- تأثیرات متغیر نظام بین‌الملل بر روابط ایران و عمان

در سطح نظام بین‌الملل، با وجود فشارهای ناشی از تحریم‌ها، رقابت‌های منطقه‌ای و تحولات ژئوپلیتیکی، هر دو کشور کوشیده‌اند با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه، تعادل در روابط سیاسی را حفظ کنند و عمان از فشار آمریکا برای افزایش نقش میانجی‌گری بهره‌مندی برد و از طرفی مطالبات اقتصادی ایران موجب هم‌افزایی تعاملی دو کشور شده و متغیر نقش (تمرکز تصمیم‌گیری در سلطان) به عنوان یک سازوکار جبران‌کننده، چالش‌های متغیر بین‌الملل را جبران می‌کند. درحالی‌که روابط ایران با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (مانند عربستان) تحت تأثیر متغیر بین‌المللی (ائتلاف با آمریکا) به واگرایی انجامیده، در مورد عمان، تعامل مثبت سطوح اجتماعی (هویت مشترک تاریخی) و نهادی (تمرکز تصمیم‌گیری) این فشارها را خنثی کرده است. این یافته، تمایز بنیادین الگوی تعاملی روزنا در روابط ایران-عمان را آشکار می‌سازد. (شکرچیان و همکاران، ۱۴۰۴)

نتیجه‌گیری

روابط اقتصادی ایران و عمان در فاصله زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴، در چارچوب نظریه پیوستگی روزنا، به‌مثابه الگویی از تعاملات چندسطحی قابل تحلیل است. این پژوهش با هدف کشف الگوی «تعدیل چندسطحی» نشان می‌دهد ثبات روابط ایران-عمان محصول توانایی سیستم سیاسی دو کشور در تبدیل تهدیدهای کلان (نظام بین‌الملل) به فرصت‌های خرد (فردی-اجتماعی) از طریق مکانیسم‌های غیررسمی است. این یافته، گامی فراتر از نظریه‌ی اولیه‌ی روزنا در تبیین پویایی‌های نظام‌های سیاسی غیرغربی است. سطح فردی (رهبران) و سطح بین‌المللی (تحریم‌ها) در تعاملی پویا و پارادوکسیکال عمل می‌کنند: فشار نظام بین‌الملل به‌جای تضعیف روابط، با فعال‌سازی مکانیسم‌های فردی (میانجی‌گری عمان)، اجتماعی (پیوندهای مذهبی اباضیه) و حکومتی (مدیریت مشترک استراتژیک تنگه) هرمز به عاملی برای تحکیم همکاری تبدیل شده است. این پارادوکس ثبات‌ساز، توسعه‌ی نظریه‌ی روزنا در بافتار نظام‌های غیردموکراتیک منطقه‌ی خلیج فارس است.

الگویی که در آن هیچ‌یک از سطوح تحلیل اعم از «ویژگی‌های فردی»، «نقش»، «متغیر دولتی یا بروکراتیک»، «متغیر اجتماعی یا جامعه» و همچنین متغیر «نظام بین‌المللی»، به‌تنهایی قادر به تبیین تمامیت رابطه سیاسی دو کشور نیست. در کانون این تحلیل با رویکرد اقتصادی، متغیرهای حکومتی و نهادی قرار دارند که نقش زیرساختی و تعیین‌کننده‌ی در شکلدهی به روابط اقتصادی ایفا کرده‌اند. مدیریت مشترک استراتژیک تنگه هرمز به عنوان یک عامل جغرافیایی-امنیتی مشترک، همواره موجب ایجاد یک منفعت مشترک ذاتی برای همکاری و ثبات بین دو کشور شده است. این امر

در کنار سرمایه‌گذارهای مشترک در توسعه ظرفیتهای لجستیکی و بندری (مانند بندرعباس، چابهار، صحار، دقم و صلاله) و انعقاد شبکه گسترده‌ای از توافقنامه‌های اقتصادی (از جمله موافقتنامه تجارت ترجیحی، اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، و توافقنامه‌های حمل و نقل دریایی)، بستر فیزیکی، حقوقی و نهادی لازم برای تداوم مبادلات اقتصادی را حتی در اوج تحریمها فراهم آورده است. این زیرساختها، پیوندهای اقتصادی را آنقدر مقاوم ساخته‌اند که در برابر نوسانات سیاسی و بین‌المللی تاب‌آوری داشته باشند.

در سطح فردی، شخصیت رهبران سیاسی، نقشی اساسی در شکل‌گیری پیوندهای پایدار ایفا کرده‌اند. سلطان قابوس با برخورداری از منش اعتدالی، دیپلماسی بی‌طرفانه و نگاه منطقه‌گرا، زمینه‌ساز مناسباتی با ثبات و حتی راهبردی با جمهوری اسلامی ایران شد. رویکردی که با انتقال قدرت به سلطان هشتم نیز دستخوش تغییر اساسی نشد. در ایران نیز ویژگی‌های فردی رهبران سیاسی، از مقام معظم رهبری به‌عنوان معمار اصلی سیاست خارجی، تا رؤسای جمهور وقت نظیر حسن روحانی با گرایش به تنش‌زدایی و ابراهیم رئیسی با تأکید بر سیاست همسایگی، نقشی اثرگذار در مدیریت مناسبات با عمان داشته‌اند.

فراتر از سطح فردی، پویایی روابط سیاسی ایران و عمان در پرتو نظریه پیوستگی روزنا، از هم‌افزایی میان سطوح نقش، نهادی، اجتماعی و بین‌المللی نیز ناشی می‌شود. ساختارهای رسمی و نقش‌های تعریف‌شده در نظام‌های سیاسی دو کشور، به‌ویژه تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح عالی، امکان انسجام در سیاست خارجی دو کشور در قبال یکدیگر را فراهم کرده و از افت‌وخیزهای شدید در روابط دو طرف جلوگیری نموده است. نهادهای بروکراتیک، به‌ویژه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های سیاسی، نقشی کلیدی در نهادینه‌سازی این همکاری‌ها ایفا کرده‌اند. در سطح اجتماعی نیز پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و حتی مذهبی، به‌مثابه یک بستر نرم، در تعمیق درک متقابل دو جامعه مؤثر بوده‌اند. بداعت مقاله در ارائه‌ی «مدل تعامل جبرانی» برای روابط منطقه‌ای در شرایط تحریم است چرا که فردیت رهبران عمانی (سطح فردی) و پیوندهای فرامذهبی اباضیه (سطح اجتماعی) و مدیریت مشترک امنیتی و اقتصادی تنگه استراتژیک هرمز در سه حوزه ژئوپلیتیک، انرژی، لجستیک (سطح حکومتی و نهادی) به عنوان مکانیسم‌های جبرانی، خلأ نهادهای دمکراتیک را پُر کرده‌اند.

در سطح نظام بین‌الملل، با وجود فشارهای ناشی از تحریم‌ها، رقابت‌های منطقه‌ای و تحولات ژئوپلیتیکی، هر دو کشور کوشیده‌اند با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه، تعادل در روابط سیاسی را حفظ کنند و عمان از فشار آمریکا برای افزایش نقش میانجی‌گری بهره‌مندی برد و از طرفی مطالبات اقتصادی ایران موجب هم‌افزایی تعاملی دو کشور شده و متغیر نقش (تمرکز تصمیم‌گیری در سلطان) به عنوان یک سازو کار جبران‌کننده، چالشهای متغیر بین‌الملل را جبران می‌کند. درحالی‌که روابط ایران با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (مانند عربستان) تحت تأثیر متغیر بین‌المللی (ائتلاف با آمریکا) به واگرایی منجر شده، در مورد عمان، تعامل مثبت سطوح فردی، اجتماعی و حکومتی این فشارها را خنثی کرده است و منجر به پایداری پویا در روابط اقتصادی دو دولت شده است. در پایان، این رابطه نشان‌دهنده یک الگوی موفق از «دیپلماسی اقتصادی مقاومتی» است که در آن، دو کشور با تکیه بر زیرساختها و منافع مشترک نهادی، و با استفاده از دیپلماسی فعال و روابط اجتماعی-فرهنگی ریشه دار، توانسته‌اند بر چالشهای خارجی غلبه کرده و همکاریهای خود را نه تنها حفظ، بلکه در ابعادی گسترش دهند و به الگویی برای

پایداری پویا تبدیل شده است. این الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط سایر کشورهای منطقه در شرایط مشابه نیز به کار رود.

منابع و ماخذ

فارسی

۱. آسایش زارچی، محمد جواد (۱۴۰۰). توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان و نقش آن در صلح و ثبات منطقه، تهران: نشر فرهنگ صبا.
۲. پروین، فرهاد و جلال پور، شهره (۱۳۹۵). ایران و عمان، از ظفار تا برجام، تهران، انتشارات ابوالحسنی.
۳. تخشید، محمدرضا و متین، مهدی (۱۳۹۰)، «تسلط بر منابع نفتی استراتژیک خلیج فارس و تهاجم نظامی ایالات متحده بر عراق». فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، شماره ۱.
۴. جعفری، محمد (۱۳۹۶). فرصت‌های راهبردی در روابط اقتصادی ایران و عمان، تهران: انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۵. حسینی کیا، سید وحید (۱۳۹۳). بررسی زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی در روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطان نشین عمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. دهقانی فیروزآبادی سید جلال و عطایی مهدی (۱۳۹۲)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۱، صص ۸۷-۱۲۰.
۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۸. سیفی، عبدالمجید و محمدنیا، مهدی (۱۴۰۳)، «جایگاه راهبرد ائتلاف‌شکنی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: شورای همکاری خلیج فارس)». فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۱۶۵-۱۸۹.
۹. شایان، فاطمه (۱۴۰۲)، «میانجیگری در روابط بین‌الملل (مطالعه موردی: عمان تا پایان دوره سلطنت سلطان قابوس در سال ۲۰۲۰م)». فصلنامه مطالعات کشورها، سال یکم، شماره ۲، صص ۲۱۵-۲۳۳.
۱۰. شکرچیان خوزستانی، محمد، خداوردی، حسن، علیخانی، مهدی (۱۴۰۴)، متغیرهای تاثیرگذار بر روابط سیاسی ایران و عمان در چارچوب نظریه پیوستگی روزنا (۲۰۱۳-۲۰۲۴). تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۶۵(۱۷) <https://sanad.iau.ir/Journal/pir/Article/1212227>
۱۱. صفایی اردکانی، عبدالرحیم؛ شیخ موحد، مهدی و رحیمی، روح اله (۱۴۰۱)، «جایگاه ولی فقیه در تبیین راهبردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۲۹-۴۴.
۱۲. فلاح تبار، نصرالله (۱۳۹۶)، «تنگه استراتژیک و ژئوپلیتیک هرمز و نقش راهبردی آن». فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۹-۳۲.
۱۳. فریدون، حسین و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاستگذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیش‌نظریه جیمز روزنا». فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۹۶.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)، قابل دسترس در: <https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707>
۱۵. کوهکن، علیرضا (۱۳۹۸)، «روابط عمان با ایران در دوره سلطان هیثم بن طارق». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۳۵، صص ۱۷۳-۲۰۴.
۱۶. محمدی، منوچهر (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل، چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.

۱۷. مصطفی‌نژاد، فاطمه (۱۴۰۲). *مولف‌های سیاست‌های منطقه‌ای عمان و انعکاس آن در روابط با ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
۱۸. ملک‌افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۳). *مختصر حقوق اساسی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ سوم، تهران: انتشارات معارف.
۱۹. منشوری، مسعود (۱۴۰۲). *چهار دهه روابط ایران و عمان*. تهران: انتشارات منشوری.
۲۰. موسوی، سید حمید؛ ذوالقدر، مالک و پرتوی، اصغر (۱۴۰۱). «بررسی نقش بازیگران سیاست خارجی در دوره پهلوی دوم (براساس مدل جیمز روزنا)». *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال بیست و سوم، شماره ۹۰، صص ۱۲۵-۱۴۶.
۲۱. نطاق پور نوری، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا و رفیعی، احسان (۱۳۹۶). «بررسی عوامل موثر هم‌گرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *مجله سیاست دفاعی*، سال بیست و پنجم، شماره ۹۸، صص ۶۳-۸۱.

انگلیسی

22. Al Zubair, M (2017). *Oman, Iran, and the United States: An Analysis of Omani Foreign Policy and Its Role as an Intermediary*, Harvard University, A Thesis in the Field of Middle Eastern Studies for the Degree of Master of Liberal Arts in Extension Studie,
23. Albasoos, H., Al Hasni, S., Al Shizawi, S., Mohammed Ali, Z. (2019). The Nature of Oman's Relations with Iran. *Journal of Arts and Social Sciences [JASS]*, 10(1), pp. 5-14, Available at: <https://doi.org/10.53542/jass.v10i1.3220>.
24. Binhuwaidin, M. (2019). Oman's Response to a Rising Iran: A Case of Strategic Hedging. *Journal of Arabian Studies*, 9(1), pp. 1-12, Available at: <https://doi.org/10.1080/21534764.2019.1625191>.
25. Hakro, A. N. (2019). *Oman in the 21st century: Issues and challenges*. New York : Nova Science Publishers.
26. Oman and its traditional foreign policy: the economic costs of positive neutrality. (2024). *Journal of Mediterranean International Studies*, 36, 218-240. <https://doi.org/10.15366/reim2024.36.009>
27. Rosenau, J. N. (1971). *The scientific study of foreign policy*. New York: The free press.
28. Rosenau, J. N. (1996). Powerful tendencies, Startling discrepancies and elusive dynamic: The challenge of studding world politics in a turbulent era. *Australian Journal of International Affairs*, 50(1),pp. 23-30.
29. Saleh, A. (2022). *One Year On: Iran Since President Raisi*. Al-Jazeera Centre for Studies. <https://studies.aljazeera.net/en/analyses/one-year-iran-president-raisi>.
30. Smith, J., Lee, K., & Ahmed, R. (2025). Dynamic interaction models in political decision-making: A network approach. *Journal of Political Systems Analysis*, 12(2), 145-170.
31. Valery, marc. (2014). *Oman's mediatory efforts in regional crises*, Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF), Oslo, Norway, from: <http://www.peacebuilding.no/>, Retrived at: 30/6/2015.
32. Worthington, J. (2024). *British Diplomacy in Oman and Bahrain: 50 Years of Change*, New York, NY : Routledge.
33. Zhang, H., & Li, Y. (2025). Investigating causal mechanisms of political opinion dynamics: A hierarchical social influence model. *arXiv preprint arXiv:2504.00877**.
34. Zhdanov, M. (2024). Social dynamics: Parameter estimation using dynamic interaction models. *arXiv preprint arXiv:2502.18172**.

Interactive Analysis of the Sustainability of Economic Relations between Iran and Oman (2013–2024) within James Rosenau’s Continuity Theory Framework

Abstract:

This study employs Rosenau’s Continuity theory and introduces the novel “Five-Level Interactive Synergy” model to analyze the dynamics of Tehran-Muscat economic relations from 2013 to 2024. Its central question is how the dynamic, simultaneous interaction of Rosenau’s variables, despite regional upheavals and leadership change in Oman, resulted in “dynamic stability” in their economic ties. Aiming to uncover a dynamic causal pattern of interplay between Rosenau’s five levels, it offers a new framework for explaining the mechanisms sustaining Iran-Oman economic relations during regional crises. Findings reveal this stability is not accidental nor due to a single variable, but the product of “interactive synergy” across levels. Individually, Omani leaders’ personalities, through mediation, fostered stable relations with Iran. In Iran, the leadership’s overarching guidance and presidents’ constructive approaches preserved and developed these ties. The dynamic interaction of individual, societal, role, governmental, and systemic variables created durable economic bonds. By adopting realist and pragmatic policies, international systemic pressure, rather than weakening ties, activated compensatory mechanisms at individual (Omani mediation), societal (Ibadi religious bonds), and governmental (shared geostrategic, energy, logistics interests) levels, becoming a factor for consolidating cooperation. Formal institutions, through centralized decision-making, were also effective.

Key words: Islamic Republic of Iran, Kingdom of Oman, Political Relations, Economic Relations, Rosenau Theory.